

آق قلعه؛ بدون طلاق، دخانیات و امکانات!

گفت و گو با چند نفر از اهالی «آق قلعه» از توابع استان اردبیل درباره زندگی در روستایی که به طلاق و دخانیات نداشتن مشهور شده است

آیه توانا | روزنامه نگار

پرونده

اگر گذر تان به اردبیل افتاده باشد، بعید است سری به «سرعین» و آب گرم های معروفش نزده باشید. کسی هم که پایش به سرعین می رسد، حتما یادش می ماند محض کنجکاوی هم که شده، خودش راپه روستایی برساند که روی تابلوی ورودی اش نوشته اند: «بهر روستای نمونه کشوری آق قلعه- بدون مواد مخدر، بدون دخانیات، بدون طلاق- خوش آمدید». اما اگر هنوز فرصت سفر به این دیار دست نداده، لابد حسن شهرت آق قلعه به گوش تان رسیده که همه جا، در خبرگزاری ها و شبکه های اجتماعی، حرف از ویژگی های منحصر به فردش است. کافی است آق قلعه را در اینترنت جست و جو کنید تا فهرست بلند بالایی از مطالب مختلف در ستایش این روستا پیدا کنید که در همه شان هم تمرکز بر بدون طلاق و بدون دخانیات بودنش به چشم می خورد. اما واقعیت آق قلعه چیست؟ چند در صد از مانور دادن روی ویژگی هایش، تبلیغ است و چقدرش واقعیت دارد؟ آق قلعه چطور توانسته چنین موقعیتی به دست بیاورد و آیا زندگی در این روستا به آن چه خبرگزاری ها درباره اش می گویند، محدود می شود؟ چند نفر از اهالی آق قلعه به این سوالات جواب می دهند.

گویی با یکی از ساکنان آق قلعه درباره ویژگی های منحصر به فرد این روستا و میزان بهره اش از امکانات زندگی

مردمی نجیب هستیم و متنفر از دود و دم

«سهیل قفقازی»، ۳۰ ساله است و متأهل؛ کارشناسی دبیری ادبیات و حقوق دار دولی کارش کشاورزی است. در توضیح بی ارتباط بودن تحصیلات و شغل اش می گوید که امیدوار بوده است که بالاخره جایی کاری پیدا کند ولی چون از استخدام خبری نبوده، به کشاورزی روی آورده است. سهیل درباره جنبه های واقعی زندگی در آق قلعه به دور از تبلیغات رسانه ای توضیح می دهد.

🔴 **ما چرا می بدون دخانیات بودن آق قلعه چیست؟**

در روستای ما مردم از دخانیات، مشروبات الکلی و مواد مخدر مبرا هستند اما نه به صورت دستوری بلکه کاملاً خودجوش. از وقتی یاد می آید وضع به همین منوال بوده است. ما در آق قلعه بقالی نداریم و بارها پیش آمده که وقتی در محفل های مان راجع به راه اندازی سوپرمارکت حرف می زنیم، همه متفق القول می گویند شرطش این است که سیگار فروختن در آن ممنوع باشد. مردم این جا قلباً از دود و دم بدشان می آید.

🔴 **بدون سوپرمارکت ما نیاز داریم به روستا می آیند و از آن ها خرید می کنیم. گاهی هم به**

دوره گردهایی هستند که با خود رو به روستا می آیند و از آن ها خرید می کنیم. گاهی هم به روستاها و شهرهای اطراف یا سوپرمارکتی می رویم که در پمپ بنزینی در یک کیلومتری روستا قرار دارد. البته قبلاً یک بقالی داشتیم اما چون صاحب اش برای زندگی به سرعین رفت، تعطیل شد. حالا دیگر شرایط فراهم نیست؛ بعضی ها می گویند سوپر زدن در روستا به صرفه نیست و بعضی های دیگر به این کار مایل اند اما سرمایه اولیه اش را ندارند.

🔴 **وضعیت روستا از نظر دیگر امکانات زندگی چطور است؟**

امکانات خاصی نداریم؛ یک مسجد، یک مدرسه ابتدایی و یک نانواپی همه امکانات ماست. بچه ها برای مقطع راهنمایی و دبیرستان باید به روستای «قشقلاق» بروند و برای درس خواندن در دانشگاه، بین سرعین و اردبیل انتخاب می کنند اما انتخاب آسانی نیست. برای آن که خودشان را به شهر برسانند، باید روزی دست کم ۳۰ هزار تومان کرایه خودرو بدهند. زمستان ها این جا بسیار سرد و جاده را هبندان می شود به طوری که برای بیرون رفتن از روستا ماشین گیر نمی آید. باین وضع و با توجه به شرایط مالی اهالی، بیشتر بچه ها ترجیح می دهند مشغول کشاورزی و دامداری شوند. ما در آق قلعه مرکز بهداشت هم نداریم.

🔴 **با این وصف، جوان ها در روستا می مانند یا به شهر مهاجرت می کنند؟**

نه تنها در روستا که در شهر هم از نظر کاری افرق روشنی وجود ندارد. جوان تحصیل کرده با هزار امید و آرزو می رود شهر، با پول فروش گاؤ و گوسفند های پدرش مستاجر می شود و بعد از مدتی دست از یاد از تر برمی گردد به روستا. خب این جا هم زندگی ثابت ندارد. یک روز خوشکسالی است؛ یک روز سر ما می زند به محصولات کشاورزی، یک روز دام هایت از مرضی می میرند.

🔴 **فشار های اقتصادی، چطور حریف زندگی مشترک جوان ها نشده و آق قلعه بدون طلاق باقی مانده است؟**

ما مردم قانعی داریم که با هم مدارا می کنند. این را فقط من نمی گویم، از مردم شهر ها و روستا های اطراف هم اگر پرسید، اهالی آق قلعه را به نجابت، آرام بودن و سربزیری می شناسند. زن و شوهر ها هم با هم کنار می آیند و مشکلات شان را با گفت و گو و کمک گرفتن از ریش سفید ها حل می کنند. از طرفی شما می دانید که طلاق و خیانت از دلایل اصلی طلاق است. در آق قلعه، همان طور که گفتم، از اعتیاد خبری نیست. خیانت هم در روستای ما وجود ندارد چون هم مردم نجیبی داریم و هم این جا همه یکدیگر را می شناسند.

🔴 **قبیح بودن طلاق در روستای شما باعث فشار اجتماعی نمی شود؟ شاید کسانی قصد جدایی داشته باشند ولی به دلیل شهرت روستا به بدون طلاق بودن و حرف مردم، به زندگی مشترک شان ادامه بدهند.**

کسی که در زندگی به جایی برسد که طلاق تنها راهکارش باشد، از حرف و نگاه مردم نمی ترسد. مسئله، بیشتر به ویژگی های شخصیتی مردم برمی گردد تا فشار اجتماعی. به علاوه معمولاً در همه روستاها آمار طلاق نسبت به شهر ها کمتر است.

🔴 **یکی دیگر از دلایل شهرت آق قلعه ادعای است که گفته می شود در این روستا هیچ بیکاری وجود ندارد. کمی هم در این باره توضیح بدهید.**

در هیچ روستایی کسی بیکار نمی ماند؛ یکی می رود دنبال گاؤ و گوسفند. یکی کشاورزی می کند و یکی به مرغ ها دان می دهد. مانور دادن روی این موضوع به نظر من جنبه شعاری و تبلیغاتی دارد. من که دو تا مدرک کارشناسی دارم و کشاورزی و دامداری می کنم، از نظر خودم بیکار محسوب می شوم چون نه گوسفند ربطی به حقوق دار دونه گندم به ادبیات.

🔴 **ما توقع داریم وقتی توجهات به چیزی جلب می شود، عایدی هم به همراه داشته باشد. شما شهرت روستای تان و بی امکاناتی اش را چطور توضیح می دهید؟**

این موضوع هم برمی گردد به رویکرد شعاری داشتن به همه چیز؛ مدام تأکید می شود که آق قلعه روستای بدون اعتیاد و بدون طلاق است اما در نهایت این تشویق ها حاصلی برای مردم ندارد. این جا جوان ها هیچ تفریحی ندارند. آق قلعه قبلاً قطب تولید سیب زمینی بود اما الان به دلیل کم آبی، محصول بسیار کم و زندگی مردم مشکل شده است. کمبود ها به روستای ما هم محدود نمی شود. سرعین که یک شهر گردشگری است و بعد از مشهد از نظر تعداد هتل دومین رتبه را در کشور دارد، یک بیمارستان ندارد.



یکی از اهالی آق قلعه توضیح می دهد که چرا طلاق و دخانیات در این روستا کم است؟

نقش پررنگ ریش سفید ها در زندگی مردم روستا

«فیروزه اخوان»، ۵۰ ساله است و خانه دار. خانم اخوان تحلیل اش را درباره حسن شهرت آق قلعه به بدون طلاق و دخانیات بودن، این طور بیان می کند: «مردم دهات ما از قدیم به ریش سفید ها خیلی اهمیت می دادند و حرف آن ها برای همه حجت است. درباره نبود دخانیات در روستا هم حرف بزرگترها تأثیرگذار بوده است؛ البته من نمی گویم هیچ کس در آق قلعه سیگار نمی کشد اما در جمع این کار را نمی کنند که ریش سفید ها ناراحت نشوند و برای جوان ترها بد آموزی نداشته باشد». تأثیر ریش سفید ها بر طلاق، از جنبه پاد میانی برای حل مشکلات زوجین است. خانم اخوان می گوید: «خب نمی شود گفت تا حالا هیچ طلاق در آق قلعه نداشتیم. زوج های انگشت شماری بوده اند که از هم جدا شدند ولی در همه شان یکی از طرفین، از بیرون روستا بوده است. خب ما هم از دهات های دیگر عروس می آوریم و هم به دهه های دیگر عروس می دهیم و به ندرت پیش می آید که این زوجها از هم جدا شوند ولی در زوج هایی که هر دویشان مال آق قلعه اند، طلاق نداریم. دلیل اش هم این است که ما در باره هم شناخت کاملی داریم. دختر و پسر از یک طبقه اند. شرایط خانوادگی و فرهنگی مشابهی دارند و به اصطلاح هم کفو هستند. اگر هم مشکلی در زندگی شان پیش بیاید، ریش سفید ها



یکی از جوانان آق قلعه می گوید نبود امکانات و فراهم نبودن بستر کار باعث مهاجرت جوانان از روستا می شود

برخوردار از فرهنگ غنی محروم از حقوق ابتدایی

«عرفان اعلائی پور»، ۲۱ ساله است و حقوق می خواند. عرفان، بر بدون دخانیات و طلاق بودن آق قلعه صحه می گذارد ولی می گوید که شهرت روستا برای اهالی امکانات و امتیازی به دنبال نداشته است: «روستای ما از نظر امکانات فقیر است. وضعیت اینترنت آن قدر بد است که موقع امتحانات مجازی باید به سرعین یا اردبیل برویم. برای ورزش و تفریح کردن هم همین طور چون در آق قلعه سالن ورزشی نداریم. مدت ها پیش تصمیم گرفتند روستا را آسفالت کنند ولی فقط نصف اش آسفالت شد و بقیه را رها کردند به امان خدا. بعد از زلزله اردبیل به چند خانوار تلفن ثابت دادند اما از آن موقع تا حالا که این همه جمعیت به روستا اضافه شده است، هیچ خبری از خط تلفن جدید نیست. بارها نامه نوشته ایم و حتی از مخابرات استان پیگیری کرده ایم ولی بی نتیجه؛ می گویند کابل نداریم!

روستای ما طبیعت فوق العاده ای دارد و گردشگر هم زیاد می آید اما رویش سرمایه گذاری نمی شود. تلفن همراه خیلی جاها آنتن نمی دهد، اقامتگاه نداریم، خب مسافران در آق قلعه نمی مانند و فقط برای گشتن به این جا می آیند. همه این ها در حالی است که روستای ما خیلی شناخته شده است. در

تلویزیون چند بار گزارش آق قلعه را پخش کرده اند ولی تا حالا پیش نیامده است که مسئولان بگویند حالا که چنین روستایی هست، سری به آن بزنیم و ببینیم کمبودی و مشکلی هم دارد یا خیر». نکته ای که عرفان به آن اشاره می کند، در حرف های سهیل هم بسیار پررنگ بود. همه تأکید ها روی آق قلعه به تعریف و تمجید از آن محدود می شود و کسی درباره چند و چون زندگی در این روستا حرفی نمی زند. عرفان می گوید: «من شخصاً روستا را به دلیل طبیعت بکر و فرهنگ غنی اش به شهر ترجیح می دهم اما لازم است که از نظر امکانات به آق قلعه توجه شود. خیلی از جوان های تحصیل کرده از آق قلعه مهاجرت می کنند. من هم بعد از تمام شدن درسم در روستا شرایط کاری ندارم و باید به شهر بروم».



۲۰ قانون برای احترام به خود و رسیدن به آرامش در زندگی

حس خوب موفقیت، بدون تلاش ممکن نیست و اگر آرامش در زندگی نباشد طعم تلاش و موفقیت هم شیرین نمی شود؛ پس باید آرامش را جدی گرفت

سید سوزنا ساداتی | روزنامه نگار

برای کسانی که می خواهند در زندگی خود موفق باشند و با انرژی بیشتری به سمت اهداف شان حرکت کنند، داشتن انگیزه لازم بسیار ضروری است. این انگیزه با دوست داشتن خود، باور به توانایی ها و اهمیت دادن به آن چه هستیم



به وجود می آید. نباید فراموش کرد که هیچ کس نمی تواند به اندازه خودمان، ما را دوست داشته باشد و به ما احترام بگذارد. وقتی خودمان را نادیده می گیریم و مورد احترام خودمان نیستیم آرامش هم از زندگی ما می رود. پس به این قوانین

توجه کنید تا آرامش را تجربه کنید و فراموش نکنید که این قوانین مثل قوانین فیزیک و ریاضی غیر قابل تغییر نیستند و وقتی درباره موجودی به نام انسان صحبت می کنیم هیچ فرمول ثابتی وجود ندارد. با ما باشید:

- ۱) اگر احساس کردید کاری اشتباه است، آن را انجام ندهید.
- ۲) موقع صحبت کردن، تعارفاتی جا را کنار بگذارید و دقیقاً همان چیزی را بگویید که منظورتان است.
- ۳) هیچ وقت طوری زندگی نکنید که بخواید دیگران را از خودتان راضی نگه دارید. مبنای تان به جای راضی نگه داشتن دیگران، عمل به کار درست و آسیب نزنن به دیگران باشد.
- ۴) هر روز در حال یادگیری باشید و هیچ وقت دست از آموختن و کسب دانش برندارید.
- ۵) در صحبت کردن با دیگران هیچ وقت از خودتان بد نگویید و خودتان را بی اهمیت جلوه ندهید.
- ۶) هیچ وقت دست از تلاش برای رسیدن به رویاهایتان برندارید.
- ۷) از «نه» گفتن نترسید و هر جایی که لازم است راحت نه بگویید.
- ۸) همین طور از تأیید و پذیرش حقیقت حتی اگر مخالف نظر شما باشد نیز نترسید.
- ۹) همیشه به خودتان مهربان باشید و سعی کنید حالتان را خوب نگه دارید.
- ۱۰) اگر نمی توانید چیزی را کنترل کنید، پس آن را به حال خود رها کنید و دست از تلاش برای تغییر دادن آن بردارید.
- ۱۱) سعی کنید تا حد امکان از اتفاقات و حالات منفی دوری کنید.
- ۱۲) در زندگی بخشنده باشید و از اشتباهات دیگران چشم پوشی کنید. با این حال اجازه ندهید دیگران برای بار دوم به شما ضربه بزنند.
- ۱۳) در هیچ حالتی ارزش و شخصیت خود را به اندازه شان طرف مقابلتان پایین نیاورید.

۱۴) حرف یا موضوعی را که نمی پسندید، تأیید نکنید و با آن همراه نشوید. بعضی اوقات، سکوت کردن و بی طرف بودن بهترین کار است.

۱۵) همیشه در آموختن دادن و انتقال دانش خود به دیگران بخشنده باشید. حس خوبی که از یاد دادن دانش به دیگران دارید هم دانش را در ذهن شما تثبیت می کند، هم باعث افزایش عزت نفس شما می شود. در ضمن این کار راهی است برای افزایش روابط انسانی و داشتن ارتباطات بیشتر که هر کدام ممکن است در

روزها و شرایط سخت به کار شما بیایند.

۱۶) زمانی که از کسی ناراحت هستید، به او بگویید و درباره ناراحتی خود صحبت کنید. شما نباید هیچ وقت احساسات درونتان را سرکوب کنید. این حق شماست که فرد مقابل شما حس تان درباره رفتارش را بداند. روی تشخیص و حدس زدن دیگران حساب باز نکنید. مشغله های دیگران به حدی زیاد است که مانع از آن می شود که خود کار علت ناراحتی شما را حدس بزنند.

۱۷) به دیگران بدون منت و چشمداشت عشق بورزید. نه به خاطر این که آن ها شایسته محبت شما هستند، بلکه به این خاطر که شما کار در دست را در هر لحظه انجام می دهید.

۱۸) روز خود را با انجام یک کار ساده شروع کنید. وقتی یک کار را در شروع روز به سرانجام می رسانید حس خوبی خواهید داشت و با انرژی و انگیزه به سمت چالش های بعدی می روید. اما این موضوع نباید شما را از انجام کارهای سخت و مهم دور کند. کارهای ساده، دور خیز شما برای انجام کارهای سخت است.

۱۹) برای احترام به خود و افزایش آرامش باید مدام در حال یادگیری باشید. از هر فرصتی برای آموختن استفاده کنید. کتاب، مجله، کتاب صوتی، پادکست و ...

۲۰) روابط اجتماعی را جدی بگیرید، از خانواده غافل نشوید، بین کار و زندگی شخصی، درس و زندگی شخصی و ... هر چیز دیگری با زندگی شخصی تعادل برقرار کنید. بدون

روابط قوی خانوادگی، شما مثل یک فرد تنها در جزیره ای هستید که به عرصه بزرگی حکمرانی می کند اما عمیقاً خوشحال نیست.

